



فرهنگیاری

پوشاک و آرایه‌های رخت و رخسار عروس در دههٔ چهل خور بیابانک

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰)

لسان‌الحق طباطبایی^۱

چکیده

در هر جامعه انسانی، جامه عروس به لحاظ شکل و رنگ و نوع پارچه، متفاوت از دیگر پوشاک زنانه در زمان عادی است و تمام سعی خانواده عروس بر این است که در حد امکانات و دسترسی از بهترین جنس پارچه و زیباترین نقش و نگار تدارک شود و از نظر طرح و مدل دوخت، با مُد روز برابر باشد. این کوشش و گرایش سبب شده است که در درازای زمان دگرگونی‌هایی در شاکله لباس عروس پدید آید و در نتیجه، در بسیاری از جوامع، رفته رفته و در برخی دیگر، به یکباره، آداب و سنن مربوط از میان مردمان رخت بریندد. در فرهنگ مردم خور بیابانک هم جامه و آرایه‌های عروس از شصت سال پیش تاکنون به تدریج به شکلی دیگر درآمده است که با آنچه در گذشته بود، تفاوت دارد. این پژوهش توصیفی از جامه و آرایه‌های رخت و رخسار عروس در فرهنگ مردم خور بیابانک پیش از زمانی است که دیگرگون شود.

کلیدواژه‌ها: خور بیابانک، جامه عروس، آرایه‌ها، رخت، رخسار.

۱. کارشناسی ارشد حقوق، فرهنگیار و پژوهشگر فرهنگ مردم خور و بیابانک. رایانامه: La.tabatabaee@gmail.com

۱. مقدمه

در فرهنگ مردم هر جامعه و در میان هر قومی، کوشش برای دستیابی به بهترین و زیباترین جامه عروس از کوشش‌های شایسته در راه نیل به آرزوهایی است که از بدو تولد نوزاد دختر در دل مادران می‌نشیند و شادمانه در دایره خویشکاری خانواده عروس جای می‌گیرد. از سوی دیگر، بسته به ضعف امکانات مالی آنان، همواره دل‌نگرانی‌هایی را به دنبال دارد که در هر حال و به هر صورت به سرانجام شادی در شب عروسی خواهد رسید.

همچنین در فرهنگ مردم، جامه عروس از سرپوش تا پاپوش، از دیگر تن‌پوش‌های دختران در پیش و پس از زمان عروسی متمایز است و این تمایز در جنس پارچه، رنگ و نقش و نگار، شکل و مدل دوخت و نیز نام جامه نمایان می‌شود.

بی‌گمان جامه عروس در بسیاری از جوامع و در میان برخی اقوام، در درازای زمان، با آیند و روند مردمان و تأثیر رسانه‌های گروهی و گرایش مردم به پدیده‌های نوظهور و آنچه مُد نامیده می‌شود، دگرگون شده و به صورت مد روز درآمده است.

این دیگر گشته‌های جامه عروس از شصت سال پیش از این زمان در فرهنگ مردم خور بیابانک پدیدار شده و در چهره امروزی که در بیشتر شهرها و روستاها یا حتی در سراسر کشور نمایان شده، بروز یافته است.

در زبان مردم خور بیابانک، واژه رخت به معنای جامه، لباس و تن‌پوش زن و مرد به کار می‌رود و اضافه ملکی پس از آن بر تعلق حق شخصی بر آن دلالت دارد. چنان‌که رخت عروس مجموعه جامه‌ای است که به حق دختر در زمان عروسی او تعلق دارد. این مجموعه که تن عروس را از سر تا پا پوشش می‌دهد در زمان موضوع پژوهش - شصت سال پیش - در بقچه‌ای از جنس کرباس به نام سارُغ sâroq نگهداری می‌شد. سرپوش، تن‌پوش، زیرپوش و پاپوش عروس، همه در یک یا دو سارغ جای می‌گرفت و در زمان آیین رخت بر کردن باز و یک به یک بر تن عروس می‌شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره جامه عروس و دیگرگون شده اجزای آن در فرهنگ مردم خور بیابانک تاکنون پژوهشی انجام نگرفته و یا منتشر نشده است. پژوهش پیش رو، توصیف جامه عروس در شصت سال پیش و تغییرات آن در خور بیابانک است که بر پایه پژوهش‌های میدانی و گفتگو با دو تن از درزیگران نامدار شهرستان خور و بیابانک در میانه سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ استوار و تنظیم شده است.

۳. بحث و بررسی

در این بخش نام، رنگ، جنس پارچه و بخش‌های مختلف جامه نوعروسان خور بیابانک و نیز آرایه‌های رخت و رخسار عروس بررسی خواهد شد.

۳-۱. نام، رنگ و جنس پارچه جامه عروس

مخمل در رنگ‌های سبز، سرخ، سرمه‌ای و زرشکی، چلوار و حریر سفید گل‌دار، وال، کُدِری، دبید شله^۱ و قناویز^۲ نام پارچه‌هایی بود که به سلیقه مادر عروس و با کسب نظر دختر و دیگر زنان خویشاوند، همچنین مشورت خیاط مورد نظر از بازار شهر یزد و یا از میان پارچه‌های پیلهوران دوره‌گرد، برگزیده و برای بریدن و دوختن به خیاط سپرده می‌شد.

۳-۲. نام، شکل، رنگ و جنس هر بخش از جامه عروس

الف) سرپوش

سرپوش عروس کلاه و چارقد بود، کلاه را از پارچه مخمل به یکی از رنگ‌های برگزیده، به شکل گنبد کوتاه، بدون لبه و نقاب تهیه می‌کردند و دور تا دور آن را با

1. šelle

2. qanâviz

یراق و مليله‌دوزی زینت می‌دادند. بندی ابریشمی به عرض یک تا دو سانتیمتر که از زیر چانه عروس می‌گذشت و از ناحیه گونه‌ها به وسیله قلابی به لبه چپ و راست کلاه می‌پیوست، نگهدارنده کلاه بر سر عروس بود. چارقد از حریری سفیدرنگ و چهارگوش بود که با تا کردن یک گوشه آن به درون، به شکل سه‌گوش روی کلاه قرار می‌گرفت و سر دو گوشه آن بر سرشانه‌های چپ و راست عروس با سنجاق قفلی به پیراهن وی می‌پیوست. شیوه دیگر در پوشیدن چارقد، روش سوزنی بود. به این شکل که دو بال چارقد زیر گلو با سنجاق قفلی به هم بسته می‌شد.

ب) تن پوش

- پیراهن عروس بسته وضعیت و امکانات مالی خانواده او از جنس متقال یا حریر سفید، شله سرخ‌رنگ و قنauیز بود. یقه گرد داشت و از میانه یقه به اندازه یک‌ونیم و جب در ناحیه سینه دارای چاک بود که به وسیله دو تا سه دکمه به دکمه‌ها می‌پیوست و دو سوی چاک را به یکدیگر نزدیک می‌کرد تا سینه عروس نمایان نباشد. همچنین در پایین پهلوها یک‌ونیم و جب چاک داشت و سرآستین‌ها مچی بود. دور پای پیراهن، یقه و چاک‌های یقه و پلوه‌ها، پاشنه‌دوزی و گلدوزی می‌شد.



- جلیقه یکی دیگر از بالاپوش‌ها و از جنس مخمل در یکی از رنگ‌های سبز یا سرخ بود. اگر پیراهن عروس از چلوار یا حریر سفید بود، جلیقه از مخمل قرمز دوخته می‌شد و اگر از شله سرخ یا قنauیز بود، مخمل جلیقه

تصویر ۱. پیراهن و شلیته از جنس متقال سفید با حاشیه گلدوزی دستی

پوشاک و آرایه‌های رخت و رخسار عروس در دههٔ چهل خور بیابانک ❖ ۱۴۵

را به رنگ سبز می‌دوختند. دور تا دور پا، یقه، بُن آستین و چاک جلوی جلیقه یراق زرد طلایی داشت و در چند ردیف پس از یراق‌ها سکه نقره و یا طلا آویخته می‌شد.

- **کردی**^۱ از جنس مخمل به یکی از رنگ‌های سرخ، سبز، سرمه‌ای و یا زرشکی، به صورت نیم‌تنه‌ای بود که تا پایین کمر را می‌پوشانید. کردی همانند کُت، یقه و یک یا دو دکمه داشت.

- **شلیته**^۲ دامن پرچینی از پارچه چلوار، شله و یا قناویز به درازای هشت یا نه متر بود و نواری از همان پارچه به نام کمری به بخش بالای آن دوخته می‌شد، چون کمربند را با کمر تنظیم می‌کردند، شلیته دو تا سه وجب قد داشت و تا نزدیک زانو می‌رسید. دور تا دور پایین و بالای آن نیز حاشیه و یراق داشت. شلیته روی شلوار پوشیده می‌شد و پیراهن تا کمری شلیته را می‌پوشانید. اگر پیراهن عروس شله سرخ و یا قناویز بود، پارچه شلیته از چلوار سفید انتخاب می‌شد.



تصویر ۲. شلیته از جنس متقال سفید با حاشیه گلدوزی دستی

- **شلوار**: شلوار عروس از پارچه دبیت معروف به حاج علی‌اکبری و به رنگ مشکی یا از قناویز آبی و سبز بود. دم یا مُچی، طوف‌دار و بدون لیفه بود و کمری آن در

1. kordi

2. šalite

۱۴۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

پهلوی به وسیله دکمه باز و بسته و به اندازه کمر تنظیم می‌شد. از این رو به شلوار کمبری شناخته می‌شد و چون در ناحیه مچ پا تنگ و در بالای پاها گشاد و شبیه شلوار نظامیان آن زمان بود، به آن شلوار نظامی هم می‌گفتند.

ج) پای پوش

– **کفش:** کفش عروس به رنگ سفید، از جنس چرم و معروف به کفش نایینی^۱ و پاشنه صَناری^۲ بود.

د) **بقچه دیگر رخت عروس:** دیگر رخت‌های عروس تن‌پوش‌هایی بودند که او طی چند روز مراسم عروسی و پاگشایی می‌پوشید و شامل چارقُد، پاچین^۳، زیجمه^۴، تمبون^۵، دستمال سر، شلیته و چادر بود.

– **چارقد:** پارچه‌ای چهارگوش از جنس ململ سفید بود که مردم خوری‌زبان به آن نمال^۶ می‌گفتند. گونه دیگر آن روسری‌های گل‌داری از پارچه‌های وال و کُداری بود که از شهرهای یزد و اصفهان، پیله‌وران و پارچه‌فروشان می‌آوردند و یا خانواده عروس در سفر به این شهرها تهیه می‌کردند. پاچین پیراهنی یقه‌گرد یا سه‌گوش بود که چاکلی در سینه و یا در پایین پشت گردن داشت و به وسیله سنجاق‌قفللی باز و بسته می‌شد. پاچین از ناحیه کمر نیز به صورت دامن پرچینی بود که تا میانه ساق پا را می‌پوشانید. جنس پارچه پاچین، چیت، دال و کداری با گل‌های ریز و درشت بود.

– **زیجمه:** دامن پرچین و بلندی از جنس کرباس به رنگ مشکی یا سرمه‌ای و نوعی دبیت مشکی بود که بلندی آن از کمر تا پانزده سانتیمتر به مچ پا می‌رسید.

– **تمبون:** شلواری لیفه‌دار و راسته‌دوز، به رنگ سیاه از جنس دبیت بود که از کمر تا پشت پا را می‌پوشانید.

۱. nâiyini: منسوب به شهر نایین

۲. sannâri: صد‌دیناری، یکی از سکه‌های رایج آن زمان و از این رو به این نام موسوم بود که دور نوک پاشنه به اندازه آن سکه بود.

3. pâçin

4. zijme

۵. tombun: زیرجامه

6. nemâl nomâl

پوشاک و آرایه‌های رخت و رخسار عروس در دههٔ چهل خور بیابانک ❖ ۱۴۷

- دستمال سر - پارچه‌ای چهارگوش، زمینه مشکی یا سبز، دارای خطوط بی‌شکلی در کناره بود که از یزد می‌آوردند و به دستمال یزدی شناخته می‌شد. این دستمال را بالای پیشانی دور سر می‌بستند.

- شلیته - این شلیته لیفه‌دار و بسته به توانایی‌های مالی، از پارچه قناویز، چیت و کرباس بود.

- چادر - از دو گونه پارچه تهیه می‌شد. کرباس سفید و پارچه چیت یا کدوری. چادر از جنس کرباس سفید ویژه دختران و زنان قشر کم‌درآمد بود که به مرور زمان، به پارچه جنس چیت و یا کدوری با گل‌های ریز و سپس مشکی یکدست تبدیل شد. (تصاویر ۱ و ۲)

۳-۳. آرایه‌های رخت عروس

آرایه‌های رخت عروس حاشیه‌دوزی‌هایی بود که به صورت گلدوزی، دالبُردوزی، یِراق‌دوزی و سکه‌دوزی بر کلاه، لچک، چارقُد، پیراهن، جلیقه و شلیته وی دوخته می‌شد. گلدوزی در حاشیه به اشکال دندان‌موشی، تاق، برگ یا گل بود و به نام‌های دندان موشو^۱، تاغو^۲، برگو^۳ یا سه‌برگو^۴ شهرت داشت و بر لبه‌های پایین، میچ، یقه و چاک پیراهن دوخته می‌شد. در پایین پای پیراهن، نخست دندان موشو و پس از آن برگو و سپس تاغو و در کناره یقه، پس از سه شکل نامبرده، سه‌برگو گلدوزی می‌شد. دور میچ و سرآستین پیراهن، دندان موشو یا تاغو و میانه آن گل می‌دوختند، در گوشه روبه‌روی قاعده لچک نیز گلدوزی می‌کردند. اگر شلیته به رنگ سفید بود پای آن به همین شکل‌ها آراسته می‌شد و اگر به رنگ دیگری بود، نواردوزی می‌کردند. نواردوزی دوختن یِراق‌هایی به رنگ طلایی، به شکل حلقه حلقه دور کلاه و دور یقه، بُن آستین، چاک و پای جلیقه بود. ردیف پس از یِراق‌دوزی در جلیقه سکه‌دوزی می‌شد. سکه‌ها از جنس نقره و پول رایج آن زمان بود و کسانی که ثروت بیشتری داشتند، سکه‌های

۱. همان دندان موش

۲. همانند تاق ساختمان

۳. به شکل برگ

۴. به شکل سه برگ

۱۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اشرفی و طلا به کار می‌بردند. سکه‌هایی هم بود که به نام امام صاحب‌الزمان منقش و مزین می‌شد. در بالای دور سکه‌ها حلقه کوچکی لحیم بود. نخ‌ی ابریشمی از آن می‌گذرانیدند و به قسمت مورد نظر جلیقه می‌دوختند و آویزان نمایان می‌کردند.

۳-۴. آرایه‌های رخسار عروس

در آن زمان افزون بر آرایه‌هایی که به رخت عروس می‌دوختند و می‌آویختند، رخسار او را نیز با زیورآلاتی چون عقدرو^۱، تیتِه^۲، پولک، خال، کجک^۳ زینت می‌دادند:

– **عقدرو:** بند آویزه‌ای از مهره‌های مروارید، مرجان، نقره با دو سر قلاب از جنس نقره یا طلای نگین‌دار از یاقوت و زمرد بود که از زیر گلوی عروس می‌گذشت و به دو چنگک دوخته شده در لبه بالای دو گوش به کلاه او می‌پیوست. به عقدرو زیرگلویی هم می‌گفتند.

– **تیتِه:** به آن مدال هم می‌گفتند؛ گلی نگین‌دار – نگینی زرین و درشت در میانه و نگین‌های رنگارنگ و کوچک‌تر از آن دور گلبرگ‌ها – از جنس نقره یا طلا بود که از دو سوی راست و چپ به وسیله زنجیر یا بندی مزین به نگین‌های زمرد و یاقوت به لبه کلاه عروس در ناحیه شقیقه به شیوه‌ای می‌پیوست که گل در میانه پیشانی وی قرار می‌گرفت و می‌درخشید.

– **پولک:** دایره‌های ریزی از زرورق یا ورق‌های رنگارنگ دیگر، به شکل ماه دستاره بود که بر پیشانی، گونه‌ها و چانه عروس با کتیرای نم‌کرده می‌چسبانند. نشان ماه و ستاره را بالای پیشانی در میانه شکاف چتری عروس می‌نهادند.

– **خال:** به وسیله میل^۴ سرمه‌دان^۵ و از سرمه خالی به رنگ مشکی بر سوی چپ یا راست بینی و نیز با پنبه، خال‌های ریز و گردی از نشاسته نم‌کرده به رنگ سفید روی چتری‌ها و زلف عروس می‌گذاشتند.

1. aqdoru
2. tite
3. kajak

۴. mil: ابزار سرمه کشیدن بر مژگان.

۵. کیسه‌ای مخملین که سرمه در آن جای دهند و از لوازم آرایش عروس است.

پوشاک و آرایه‌های رخت و رخسار عروس در دههٔ چهل خور بیابانک ❖ ۱۴۹

– کجک^۱: دستبندی از مهره‌های کهربا، مرجان، نقره و آب حیات بود. گلوبند با مهره‌های مروارید نیز از دیگر آرایه‌های رخسار عروس بود.

۴. جمع‌بندی

از شصت سال پیش تاکنون، بر اثر بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم بنا به دلایل مختلف، از جمله توسعه ارتباطات و دایر شدن خط تلفن یا ورود تلویزیون و رادیو، فراهم شدن امکانات رفاهی و بهداشتی، استقرار تأسیسات برق، آب و تسهیلات جاده‌ای و در نتیجه، سهولت سفر و آمد و شد بین شهرها و همچنین دسترسی بیشتر مردم به بازار شهرهای بزرگ و آشنایی با پدیده‌های نوظهور در زمینه رخت و لباس و نفوذ پدیده مُد و مُدگرایی، رفته رفته دگرگونی‌هایی در برخی از آداب پیشین جشن‌های عقد و عروسی، نوع و جنس اقلام جهیزیه، میزان مهریه، لوازم آرایش و البسه عروس، در فرهنگ مردم خور بیابانک پدیدار شد. چنان‌که می‌توان گفت به سبک غالب امروزی و متداول در بیشتر شهرهای کشور در آمد و نشانه‌ها و آرایه‌های پیشین رخت و رخسار عروس به دست فراموشی سپرده شد. امروزه اگر از رخت و لباس‌هایی که وصف آن رفت، در صندوق خانه پیرزنی پیدا بشود باید آن را در موزه‌های مردم‌شناسی به تماشای بازدیدکنندگان گذاشت.

راویان

– تابنده‌بانو، یغمایی، خور بیابانک، ۱۳۹۳

– سارخاتون‌بانو، یغمایی، خور بیابانک، ۱۳۷۶

